

بررسی عملکرد مدیریت یکپارچه شهری در بازآفرینی بافت های فرسوده شهری (مطالعه ی موردی: محله فخرآباد- کلان شهر شیراز)

امیرعباس زارع، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت شهری، موسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران.

دکتر علی شمس الدینی، دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

دکتر پریسا مشک سار، استادیار شهرسازی، موسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۸

چکیده

مطالعه نظام شهرنشینی در ایران نمایانگر عدم تناسب بین رشد شهرنشینی و توسعه شهری است و همین عدم تعادل، موجبات مسائل مختلف شهری از جمله بافت فرسوده می باشد. از این رو بافت های فرسوده شهری از چالش برانگیزترین مسائل در فضای شهری ایران به شمار می روند که موجبات عدم سازمان و تعادل و بی برنامه گی حیات شهری را فراهم آورده است. نکته مهم در این بین عملکرد سنتی نظام مدیریت شهری ایران است که عامل اصلی گسترش ابعاد چالش های مذکور می گردد. لذا با توجه به مطالعات این پژوهش مسئله بافت های فرسوده در شهرهای ایران، تنها معلول رشد شهرنشینی نیستند بلکه ناشی از عدم کیفیت مدیریت شهری در راستای ارتقاء سطح کیفیت زندگی در این نوع از بافت ها می باشد. کلان شهر شیراز به عنوان یکی از شهرهای تاریخی و مهم از این تاثیرات و مسائل میرا نبوده است. هدف این تحقیق بررسی عملکرد مدیریت یکپارچه شهری در بازآفرینی بافت های فرسوده کلانشهر شیراز و در محله فخرآباد است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و روش های گردآوری اطلاعات به صورت میدانی (پیمایشی) است. ابزار گردآوری تحقیق، پرسش نامه است. جامعه آماری این تحقیق را شهروندان ساکن در محله فخرآباد شهر شیراز تشکیل داده اند که بالغ بر ۱۲۹۱ نفر بوده اند. بر اساس فرمول کوکران، نمونه آماری به تعداد ۲۹۶ نفر محاسبه شد. نتیجه آزمون تی تک نمونه ای در زمینه سنجش عملکرد مدیریت یکپارچه شهری در بازآفرینی بافت فرسوده فخرآباد نشانگر آن است که چهار شاخص شامل ظرفیت توسعه نهادی، یکپارچگی و شریک مساعی نهادی، ترتیبات نهادی در مواجهه با بافت و دانش و یادگیری نهادی در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنادار بوده است. بررسی میانگین شاخص ها نشانگر آن است که وضعیت آنها ضعیف ارزیابی می شود. بهترین وضعیت مربوط به شاخص یکپارچگی و شریک مساعی نهادی با مقدار ۲/۵۵۰ و بدترین وضعیت مربوط به بعد دانش و یادگیری نهادی با میانگین ۲/۳۴۳ بوده است. بنابراین وضعیت تمامی شاخص های مدیریت یکپارچه شهری در بازآفرینی بافت فرسوده فخرآباد نامطلوب ارزیابی می شود. همچنین نتیجه آزمون فریدمن در سطح کمتر از ۰/۰۵ تفاوت معناداری را میان شاخص های مدیریت یکپارچه شهری در بافت فرسوده نشان می دهد که بیشترین تفاوت مربوط به شاخص سرمایه اجتماعی درون نهادی و سپس کارایی و بهره وری نهادی بوده است.

واژگان کلیدی: مدیریت یکپارچه شهری، بازآفرینی، بافت فرسوده، کلان شهر شیراز.

مقدمه

شهر، دارای نظامی پویا است و دائماً تحت تأثیر روابط جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در حال تغییر و تحول است؛ بگونه ای که این تغییرات را می تواند در بافت های مختلف شهر مشاهده نمود (میرابراهیمی، ۱۴۰۰: ۳۱۳). از این رو شهرها به عنوان موتورهای رشد و توسعه اجتماعی دارای پتانسیل باورنکردنی هستند که بی شک باید مورد توجه قرار گیرند (معمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۱). در حقیقت جوامع با یک رنسانس شهری روبه رو هستند (کاووسی و محمدی، ۱۴۰۰: ۲۸۰). در این میان برخی از بافت های شهری در طول زمان و بنا به دلایل مختلف دچار ناکارآمدی شده و مسائلی مختلفی را تجربه نموده اند. این بافت ها در واقع همان محلات قدیمی شهرها محسوب می شوند (Ibrahim et al, 2020: 389). محله هایی که در گذشته اغلب در هسته مرکزی شهرها جای داشتند و زمانی از غنای فرهنگی برخوردار بودند، اکنون با معضلی به نام بافت فرسوده و ناکارآمد روبه رو هستند (Kim, 2015: 339). بافت فرسوده و ناکارآمد شهری، مناطقی از جغرافیای شهر است که ناشی از نارسایی های متعدد و متنوعی است که بر شرایط کالبدی، کارکردی و کیفیت زندگی جمعی در این مناطق تأثیر جدی دارد (آقایی زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۹). از جمله این ناکارآمدی ها می توان به ناکارآمدی کالبدی، عدم دسترسی مناسب به درون بافت، عرض کم معابر، کمبود یا فقدان تأسیسات زیربنایی، مشکلات زیست محیطی، فقر و محرومیت اجتماعی، حجم بالای ساختمان های کم دوام، ناامنی و معضلات اجتماعی - فرهنگی اشاره نمود (روشن علی و عندلیب، ۱۳۹۶). هر یک از مشکلات و مسائل فوق، نوسازی در این بافت ها و نارسایی ها را ضروری می نماید.

برنامه ریزی شهری که قبلاً مبتنی بر سیستم سنتی بوده است، امروزه به نظر می رسد از توان و پاسخگویی لازم جهت اصلاح و حل مشکل بافت های فرسوده برخوردار نیست و مسائل مختلفی را در این زمینه تجربه نموده است (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۷). یکی از رویکردهای مدیریت این بافت ها، بازآفرینی شهری است. بازآفرینی شهری اقداماتی جامع و یکپارچه برای حل چالش های شهرهای امروزی است که در نهایت به یک پایداری اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و محیطی خواهد انجامید. علاوه بر این، بازآفرینی شهری بر این مطلب تأکید دارد که طرح و اجرای هرگونه روش برای مقابله با مشکلات شهرهای بزرگ و کوچک، باید دارای اهداف بلندمرتبه و راهبردی باشد. بازآفرینی شهری گامی فراتر از مقاصد، آرزوها و دستاوردهای «نوسازی شهری»، «توسعه شهری» و «باز زنده سازی شهری» است (نصیری نیا و سالاری نیا، ۱۳۹۶: ۱۳۶). بازآفرینی شهری در بافت فرسوده فرایندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی های اصلی کالبدی و فعالیتی منجر می گردد (حجازی، ۱۳۹۹: ۱۱۹). در این اقدام فضای شهری جدیدی ایجاد می شود که ضمن شباهت های اساسی با فضای شهری قدیم، تفاوت های معنایی را با فضای قدیم به نمایش می گذارند (Wang and Fukuda, 2019: 4). زمانی اقدامات بازآفرینی شهری در بافت فرسوده با موفقیت همراه خواهد بود که تمام ابعاد زندگی شهری یکجا و با هم در نظر گرفته شود و برای آنها برنامه ریزی شده و اقدامات عملی، سیاست های مشخصی تدوین شود. اما اقدامات اخیر در بازآفرینی بافت فرسوده شهری نشان می دهد که چنین طرح هایی موفقیت آمیز نبوده و نتوانسته مشارکت مردم و

سایر سازمان ها را با خود همراه کند (Strippoli,2020).

به نظر می رسد که از آنجا که مدیریت یکپارچه شهری، راه حلی تمرکز زدایانه و مبتنی بر قدرت چند جانبه و یکپارچه عناصر مدیریت شهری منطبق بر الگوی حکمروایی شهری است، بازآفرینی با چنین رویکردی از قدرت عمل بالا و درصد موفقیت زیادی همراه خواهد بود (Furlan et al,2019: 129) چرا که شکل گیری بافت های فرسوده از عواملی هستند که دامنه شهرها را بیش از پیش گسترش داده است (آقامیری و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۱۵). که در این زمینه مدیریت شهری نقشی مهمی را ایفا نموده است. نظام مدیریت شهری با هدف اداره مطلوب امور شهر، روابط میان عناصر شهری را هماهنگ می کند (میرمسعودی و منصوری ارامکی، ۱۳۹۶: ۴۶). البته هر نوع مدیریتی نمی تواند موفق باشد و نوع مدیریت در نوع عملکرد سازمان ها تاثیر گذار است. در حقیقت سیستم مدیریتی کارآمد است که تمامی اجزا و عناصر شهری را به صورت یکپارچه توسعه دهد (Chakrabarty, 2001: 333). بر این اساس برای اداره موفق شهر به ویژه کلانشهرها نمی توان از مدیریت های سیستمی و یکپارچه چشم پوشی نمود. در حقیقت داشتن نگاه تک بعدی به مسائل و توسعه شهری، می تواند عدم یکپارچگی و تفرق در مدیریت شهری را شکل دهد (میرمسعودی و منصوری ارامکی، ۱۳۹۶: ۴۵). در زمینه بازآفرینی بافت های شهری نیز چنین موضوعی صادق است.

بازآفرینی شهری در گرو مدیریت یکپارچه می تواند تمام ذی نفعان، ذی مدخلان و ذی نفوذان را با خود همراه کرده و در اقدامی مشترک، گام های موثری برداشته شود. مدیریت یکپارچه شهری، راهکارهای مناسبی برای حل چالش های مختلف و ظهور شهرهای پایدار و هوشمند ارائه داده است. در حوزه بازآفرینی بافت های تاریخی، ترکیب مدیریت یکپارچه و راهبردهای بازآفرینی شهری پایدار، منجر به رشد هوشمند و برنامه و اقدام عمل هوشمند در بافت های تاریخی رقم خواهد (یزدانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۳۸). کلانشهر شیراز از مهمترین شهرهایی است که به واسطه قدمت تاریخی و بافت قدیمی که دارد، با مساله بازآفرینی بافت های فرسوده بیش از هر شهر دیگری روبه رو است. شهر شیراز که سالانه گردشگران زیادی را به واسطه همین بافت فرسوده جذب می نماید در صورت عدم مدیریت مناسب این بافت ها و بازآفرینی آنها در آینده می تواند با مشکلات جدیدی روبه رو شود. در این زمینه مدیریت یکپارچه در این شهر یک ضرورت انکارناپذیر است. محله فخر آباد در حوزه مرکزی شهر شیراز و غرب منطقه ۲ واقع شده است از مهمترین محلاتی است که مساله بافت فرسوده و بازآفرینی آن همواره مطرح بوده است. این محدوده در حوزه بلا فاصل بافت تاریخی و فرهنگی (جنوب غرب منطقه ۸) شیراز واقع شده است. و از میان دوره های سه گانه توسعه شهری شیراز، جزء بافت میانی محسوب می شود. در حقیقت این محدوده، از توسعه های اولیه دهه ۱۳۲۰ به شمار می رود. بافت محله از لحاظ مورفولوژی بسیار متراکم و نامنظم می باشد. سازمان های اداره کننده امور محله فخر آباد سازمان های فعال در مدیریت امور شهری شیراز شامل معاونت عمرانی استانداری، اداره کل مسکن و شهرسازی استان، اداره کل میراث فرهنگی و نیمه دولتی شهرداری و در بخش مردمی شورای اسلامی شهر است. آنچه که در زمینه این نوع سازمان ها و عملکرد آنها قابل طرح است که بین آنها پیوند و روابط مطلوبی در راستای رسیدن به یک ساختار مناسب وجود ندارد. به عبارت دیگر عدم یکپارچگی در وظایف و اهداف

بخوبی قابل مشاهده است و این موضوع ریشه در سیستم مدیریت موجود در کلانشهر شیراز دارد. از این رو ضرورت ایجاد و بکارگیری یک نوع سیستم مدیریتی یکپارچه در بازآفرینی بافت های فرسوده کلانشهر شیراز از جمله محله فخرآباد بخوبی وجود دارد. برای این موضوع در ابتدا نیاز به شناخت وضعیت شاخص های مدیریت یکپارچه شهری است تا مشخص شود که شهر شیراز در چه سطحی از برخوردار قرار دارد. بنابراین هدف این تحقیق بررسی عملکرد مدیریت یکپارچه شهری در بازآفرینی بافت های فرسوده در محله فخرآباد- کلان شهر شیراز است.

پیشینه پژوهش

فتاحی زاده و همکاران (۱۴۰۰) نیز در بررسی بازآفرینی شهری پایدار در بافت تاریخی با رویکرد یکپارچه در شهری و قم نشان دادند که نبود مدیریت و دیدگاه یکپارچه سبب ایجاد بسیاری از مشکلات بوده و ساکنان بافت های فرسوده به مرور زمان از صحنه برنامه ریزی و سیاست گذاری کنار گذاشته شدند. طاهر لو و جلیل نژاد (۱۴۰۰)، در بررسی بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری و نقش شهرداری در احیای آن ها نتیجه گرفتند که بافت فرسوده شهر تاریخی خوی با مشکلات فیزیکی و اجتماعی روبرو است که عملکرد شهرداری و نهادهای دیگر در این زمینه تأثیرگذار است. هاشم زاده قلعه جوق و همکاران (۱۳۹۹)، در شناسایی عوامل مؤثر در پیشبرد برنامه های مدیریت شهری در حوزه بافت فرسوده نشان دادند که شیوه مدیریت، هماهنگی دستگاه های اجرایی و توسعه زیرساخت و امکانات نقش مهمی دارند که این عوامل تداعی کننده ضرورت ایجاد مدیریت یکپارچه شهری است. ویسی و همکاران (۱۳۹۹) در بررسی مقاله ای با عنوان مقایسه ظرفیت بازآفرینی شهری پایدار در محله هایی با بافت فرسوده و غیررسمی شهری (مطالعه موردی: شهر مریوان) نشان می دهد از دیدگاه ساکنان محله های هدف، بهبود شرایط اجتماعی اولین شاخص دارای پتانسیل در بازآفرینی شهری پایدار، رونق اقتصادی دومین شاخص دارای ظرفیت بازآفرینی، ارتقای کالبدی سومین شاخص دارای پتانسیل و بهبود وضعیت زیست محیطی چهارمین شاخص دارای پتانسیل در بازآفرینی شهری پایدار هستند. ظرفیت بازآفرینی شهری پایدار در خرده مقیاس های شرایط اجتماعی- فرهنگی، رونق اقتصادی، بهبود وضعیت زیست محیطی و ارتقای کیفیت کالبدی در بافت فرسوده در حد بالا و زیاد است. ظرفیت بازآفرینی شهری پایدار در این خرده مقیاس ها نیز در بافت غیررسمی در حد متوسط است. در مجموع شاخص ها، ظرفیت بازآفرینی شهری پایدار در بافت فرسوده بیشتر از بافت غیررسمی است که باید مدنظر مجریان بازآفرینی شهری قرار بگیرد. شاهینی فر و دیگران (۱۳۹۹) نیز در بررسی میزان مشارکت های مردمی در نوسازی بافت های فرسوده شهری نشان دادند که میزان مشارکت مردم در نوسازی بافت های فرسوده به دلیل سیستم مدیریت شهری پایین است. فیروزی و همکاران (۱۳۹۸)، در تحلیل بسترهای نهادی تحقق مدیریت یکپارچه در بازآفرینی شهری پایدار بافت های فرسوده نشان می دهند رویکرد به مدیریت یکپارچه بازآفرینی شهری پایدار زمانی محقق می شود که روابط متقابل کنشگران این فرایند با یکدیگر به صورت آگاهانه و بر اساس تعامل و گفت و گو و اعتماد متقابل باشد و از سوی دیگر نظام رسمی میان کنشگران اجتماع مدار، یکپارچه و متکی بر بسترهای نهادی باشد. خزایی و رضویان (۱۳۹۸) در بررسی بازآفرینی بافت فرسوده نتیجه می گیرند که با تغییر

رویکرد مسئولین و مدیران شهری نسبت به بافت قدیمی شهر، می توان ضمن مرتفع کردن معضلات موجود، در راستای استفاده بهینه از قابلیت های وافر این مناطق در راستای توسعه همه جانبه شهر نهاد گام های اساسی برداشت. پیران (۱۳۹۷) با نگاهی گذرا و نقدی کم توان: بازآفرینی شهری با نیم نگاهی بر پروژه محله یاری در ایران (میا) بیان داشته است که بازآفرینی مفهومی است که پس از فراز و فرودهای بسیار شهری در حیطه برنامه ریزی شهری و تجربه برنامه های گوناگون با عناوین مختلف یا، به زعم نگارنده، پس از استفاده از مفاهیم پیشاهنگ دیگر هم چون بازسازی شهری و باز توسعه یا توسعه مجدد شهری توسعه کامی یونیتی، نظایر آنها انتخاب شده و به کار رفته است. با درک کاستی های هر مفهوم، فراگیر نشدن و محدودیت های مفاهیم و تحولات شهری در واکنش به دگرگونی های سرمایه داری، فرایند جایگزین شدن مفاهیم پیشاهنگ، یکی بر جای دیگری، مطرح شده و هریک برای مدتی به کار گرفته شده اند تا در نهایت به پیشنهاد و به کارگیری مفهوم بازآفرینی شهری منجر شده است. نکات اساسی در توجیه و به کارگیری این مفهوم تأکید آن بر ابعاد فیزیکی یا کالبدی و مهم تر از آنها موضوع فضا، ابعاد اقتصادی، جنبه ها و مسائل و مشکلات اجتماعی و تأکید بر زیست بوم یا ابعاد محیط زیستی و همچنین مدیریت مشارکت مبنا و مشارکت محور گروه های هدف برنامه ریزی با یاری تسهیل گران نا مداخله گر است. صرافی (۱۳۹۷) در مقاله رهیافت بازآفرینی شهری رادیکال برای چیرگی بر ناپایداری توسعه ایران بیان می دارد که بازآفرینی شهری برای چیرگی بر ناپایداری توسعه شهری در ایران در صورتی ضروری است که با رهیافتی رادیکال به تولید فضایی برآمده از راز ماندگاری این مرزوبوم که همانا اندیشه ایران شهری است بینجامد. در این مسیر، برقراری حکمروایی شایسته ای که دربرگیرنده اجتماعات محلی باشد و قابلیت و ظرفیت روزافزون برای مهار و هدایت محیط به سوی تولید فضایی پایدار ایجاد کند، راهبردی محوری است. تصور نمی کنم به درکی ژرف نیاز باشد تا متوجه شویم تولید فضای سودازده امروز کلان شهرهایی مانند تهران، بدل کاریکاتور گونه ای از الگوی توسعه خودباخته ای است که نشانی از دگرگونی راستین مورد نیاز برای نیل به پایداری ندارد. برنامه ریزان شهری ایران مسئولیتی خطیر در طرد این الگو و یاری رساندن در ارائه الگوی جایگزین بر دوش دارند. میرمسعودی و منصور آرمکی (۱۳۹۷) در بررسی راهکارهای تحقق مدیریت یکپارچه شهری در شهر تهران نشان دادند که دانش و اطلاعات، آموزش و پرورش، مشارکت مردمی و شهروندان و مدیریت عمومی محیطی در تحقق مدیریت یکپارچه شهری اثرگذار است. فیروزی و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی مدیریت بازآفرینی شهری پایدار بافت های فرسوده بیان می کند به منظور تحقق رهیافت مدیریت یکپارچه در بازآفرینی شهری پایدار در سطح کلان شهر اهواز ضروری است هر کدام از کنشگران این حوزه در رهیافتی مشارکتی، وضعیت متناسب با منابع قدرت و علائق و منافع که دارند ایفای نقش نمایند. دکتر پرویز پیران (۱۳۸۹)، در طرح پژوهشی با عنوان توسعه محله های مشارکت مبنا و مشارکت کارفرمایی سازمان نوسازی شهر اهواز، انجام داد. این پژوهش با محور رویکردی جامع و مشارکت مبنا و معطوف به اجرا در زمینه نوسازی شهری در ایران، مورد پژوهش: شهر تهران، پنج محله از محله های تهران شامل نعمت آباد، رباط کریم، امام زاده عبد...، خانی آباد و باغ آذری را از منظر پایداری و شهروندمداری با هدفگیری

توسعه و با رویکرد اجرایی مورد مطالعه قرار داد. در مقابل مفهوم ایزدی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان سیری بر تجربه شهرسازی اجتماعی (مشارکتی) در بازآفرینی محلات غیررسمی شهر مدلین در کشور کلمبیا بیان داشته‌اند که اصول شهرسازی اجتماعی عبارت است از اقدامات نظام‌مند فیزیکی و اجتماعی با تکیه بر مشارکت عمومی و مدیریت هماهنگ میان سازمانی. همچنین نتایج بیانگر آن است که دستورالعملی ساده و یا یک الگوی ثابت و خطی جهت اعمال به شرایط زمینه‌ای گوناگون وجود ندارد بلکه تنها از طریق تدوین مدلی استراتژیک می‌توان تمامی نهادها و ابزارهای دولتی، منابع و اقدام‌ها را در جهتی سازمان‌دهی کرد تا در نتیجه در یک منطقه مشخص نتایج هر چه سریع‌تر و باکیفیت بالاتری حاصل شود. بازخوانی برنامه شهرسازی اجتماعی مدلین نشان داد که عامل اساسی در موفقیت این تجربه همگام بودن و همکاری سیستماتیک بخش فیزیکی، نهادی و اجتماعی در طول فرایند بازآفرینی محلات بوده است. حناچی و فدایی نژاد (۱۳۹۰) به تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بافت‌های فرهنگی - تاریخی پرداخته‌اند که نتیجه آن به دنبال واکاوی و تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه به‌عنوان رویکرد غالب در مواجهه با بافت‌های فرهنگی - تاریخی در دو دهه اخیر بوده است. بر مبنای چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه معیار برجستگی مکان تحت تأثیر زیرمعیارهای اصالت، یکپارچگی و ارزش نسبی، در وجه حفاظتی آن و از طرفی دیگر، معیار سرزندگی اقتصادی تحت تأثیر زیرمعیارهای بازآفرینی فیزیکی، کارکردی و فرهنگی - اجتماعی، در وجه توسعه‌ای چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه مورد توجه قرار می‌گیرند. به‌علاوه، سیاست بازآفرینی حفاظت مبنای سیاست غالب در ایجاد همگرایی و تعادل میان اهداف و برنامه‌های حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بافت‌های فرهنگی - تاریخی در دو دهه اخیر به رسمیت شناخته شده است. فریبتی و گراسو (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان طراحی استراتژی‌های موفق بازآفرینی شهری به بررسی ایجاد یک چارچوب الگویی که قادر به پشتیبانی از برنامه‌ریزی مشترک و فرآیندهای تصمیم‌گیری مربوط به تحولات بازآفرینی شهری می‌پردازد. آلپویی و مانول (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان بازآفرینی یکپارچه شهری راه‌حل برای احیای شهرها نشان می‌دهد که بازآفرینی یکپارچه شهری در چندین کشور اروپایی تنها راه‌حل ممکن است. جیمنز و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای با عنوان به‌سوی یک استراتژی با رویکرد چند هدف در بازسازی ساختمان‌های شهری در منطقه مدیترانه نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی و اقتصادی در این منطقه برای بازسازی منطقه بسیار بالا بوده و از سوی دیگر با انجام این مداخلات می‌توان بین ۲۰ تا ۵۰ درصد در فرایند مصرف انرژی نیز روند کاهش را مشاهده کرد.

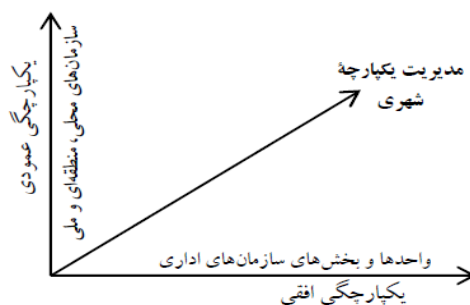
مبانی نظری پژوهش

مدیریت یکپارچه شهری: نظام مدیریت شهری با هدف اداره مطلوب امور شهر، سعی دارد روابط میان عناصر شهری را هماهنگ سازد (میرمسعودی و منصور ارامکی، ۱۳۹۶: ۴۶). بنابراین با توجه به این موضوع سیستم مدیریتی می‌تواند کارآمد باشد که تمامی اجزا و عناصر شهری را به صورت یکپارچه توسعه دهد و از بخشی‌نگری بپرهیزد. سیستم مدیریت یکپارچه شهری می‌تواند بهترین الگوی در این زمینه باشد. سیستم مدیریت یکپارچه،

سیستمی است که دارای قابلیت های مختلفی است. سازمان برای مدیریت کلیه امور فرآیندی خود از سیستم یکپارچه استفاده می کند تا بتواند به اهداف خود دست یابد و بطور متوازن اهداف ذینفعان خود را برآورد سازد (Chakrabarty, 2001: 333). بر این اساس برای اداره موفق شهر به ویژه کلانشهرها نمی توان از مدیریت های جداگانه و هدایتگرهای بخشی بهره گرفت. اگر هر یک از عناصر مجموعه مدیریت شهر بنا به حوزه اختیارات خود برای شهر تصمیم بگیرند و از منظر خرد و بخشی نگری به شهر بنگرند، ناهماهنگی تصمیمات در بعد کلان مشکلات عدیده ای را پیش خواهد آورد که می تواند بخشی از مسائل کنونی را حاصل این تفرق و عدم یکپارچگی مدیریت شهر دانست (میرمسعودی و منصورى ارامکی، ۱۳۹۶: ۴۵).

مدیریت یکپارچه شهری در برگیرنده عناصر مرتبط فراوانی در سطوح مختلف تصمیم گیری است، لذا رویکرد سامانه ای برای ایجاد هماهنگی تلاش ها در سطوح مختلف غیرقابل انکار است. تعدد و تکثر موجود در ماهیت پدیده شهر و مناطق شهری، جامع نگری و یکپارچه سازی تصمیم ها و سیاست های عوامل هدایت کننده را در سامانه برنامه ریزی و مدیریت الزامی می کند. اندیشمندان در لزوم یکپارچگی مدیریت شهری اتفاق نظر دارند، لیکن در مدل های ارائه شده، پیشنهادات متفاوتی را اعم از یکپارچگی وظایف مدیریتی، یکپارچه کردن زمینه های مختلف کاری و یکپارچه کردن روابط نهادهای تاثیرگذار را مطرح کرده اند. در کل نظام حکومتی، باید عهده دار امور محلی و مدیریت یکپارچه شهری باشد (Abdali et al., 2018: 297).

یکپارچگی مدیریت شهری، مشارکت عمومی و توافق عمومی از پیش شرط های اساسی برای تحقق رویکرد راهبرد توسعه شهر است. ضرورت استقرار و عملکرد مؤثر نظام یکپارچه مدیریت شهری در سطح محلی است ضرورتی انکارناپذیر است (Charosai and Ilanlu, 2019). مدیریت یکپارچه شهری، بیانگر نوعی از حکمروایی خوب است که بر کارآیی سیستم و نقش مشارکت شهروندان و آماده سازی آنان برای ایفای نقش اساسی در نحوه اداره شهر و ایجاد هماهنگی سازمانی و تمرکزگرایی امور در قالب حکومت محلی (شهرداری و شورای شهر) تاکید می شود. این نوع از مدیریت شهری یکپارچه در کشورهای پیشرفته منشا تحولات زیادی در توسعه پایدار شهری بوده است امری که در کشور ما فراموش شده و کمتر بدان پرداخته شده است. جز چند ماده و تبصره در قالب برنامه های پنج ساله توسعه کشور (Sanai et al., 2019).



شکل (۱): مدیریت یکپارچه شهری

مآخذ: رضایی و زنگی آبادی، ۱۳۹۸

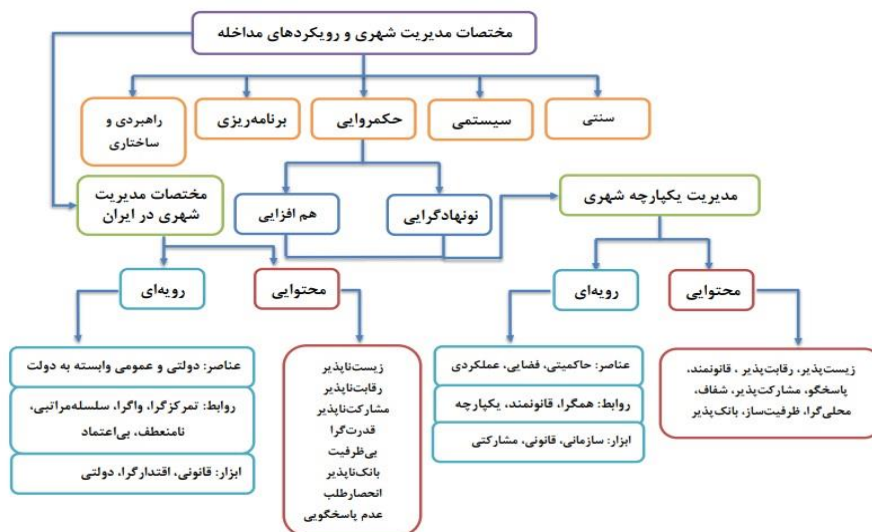
جایگاه مدیریت یکپارچه شهری در توسعه شهری (بافت فرسوده): نیم نگاهی به وضعیت مدیریت شهری

در ایران نشان می‌دهد به دلایلی چون تمرکز گرایی، برونزا بودن برنامه‌ها و طرح‌های شهری، اقتصاد رانتی و مبتنی بر نفت، مدیریت شهری تحت تأثیر دولت است و مدام از مدیریت سیستمی و یکپارچه فاصله گرفته و در گرداب مدیریت بخشی و سلولی گرفتار آمده و همچنین از روند شهرنشینی و مسائل برآمده از شهرنشینی، عقب مانده و در دیدگاه‌ها و نگرش‌های از بالا به پایین گرفتار گردیده است (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۷). در بافت‌های تاریخی نیز یکی از مهمترین مؤلفه‌های مؤثر و متأثر از شهر و شهرنشینی؛ نظام مدیریت شهری اینگونه سکونتگاهها است. از یکسو در نتیجه تحولات و تغییرات کمی و کیفی شهرنشینی، ادامه حیات، کارآمدی و اثربخشی بافت تاریخی شهرها بدون برخورداری از یک نظام مدیریتی منسجم و هدفمند غیرممکن می‌نماید و از سوی دیگر نظام یاد شده بنا بر مفهوم دیالکتیکی خود کاملاً متأثر از ویژگی‌های اجتماعی، زمانی و مکانی شهر خود است. یکی از اهرم‌های اصلی در موفقیت اداره شهرها، هماهنگی میان سازمانهای ذیربط است. با بررسی مدیریت شهری در بافت تاریخی کلانشهرهای ایران مشخص می‌شود که بسیاری از نهادهای تصمیم‌گیرنده دولتی یا حکومتی اند، پاره‌ای نیمه دولتی و بخشی هم در حوزه عملکرد بخش خصوصی قرار دارند که به نظر می‌رسد در بسیاری از فضاهای شهری و مدیریت بافت تاریخی، به جای همکاری در حل مشکلات، به عملکرد جدا از هم گرایش دارند (رضایی و زنگی آبادی، ۱۳۹۸).

در حال حاضر رویکرد مدیریت یکپارچه، با تمرکز بر نقش بیشتر و گسترده تر همه کنشگران به جای نهادهای حاکمیتی سلسله مراتبی به عنوان تنها بازیگران عرصه مدیریتی، اهمیتی دوجندان یافته است؛ بنابراین باید بررسی کرد که این شیوه‌های نوین حکمروایی چگونه با چالش رکود، فرسودگی و ناکارآمدی نواحی گسترده شهرها مواجه می‌شوند. کنشگران مدیریت شهری به کمک فرایندهای حکمروایی تلاش می‌کنند تا توسعه موجود را مدیریت و هدایت کنند. همچنین شیوه‌های مدیریت شهرها در حوزه بازآفرینی شهری همراه با پیچیدگی‌ها، به ویژه ماهیت مسائل و چالش‌های پیچیده سبب می‌شود که مدل‌های متداول مدیریت شهرها پاسخگو نباشد، بلکه باید بستر کنش‌های هم‌افزا و یکپارچه فراهم باشد (حسینی، ۱۳۹۸). در حال حاضر با توجه به تغییرات در سطح جهانی و محلی، امکان مدیریت شهرها تنها بر اساس مفهوم حاکمیت به عنوان نهادهای رسمی و حقوقی با قدرت قانونی و به صورت متمرکز نیست، بلکه نیازمند تغییر در شیوه‌های مدیریتی براساس فرایندهایی است که در آن با وارد شدن سازمان‌های غیررسمی و اجتماعات و نهادهای مدنی توانایی برخورد با مسائل جاری و پیش‌بینی رویدادها در قالب شبکه اجتماعات محلی (جامعه مدنی) میسر می‌شود (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۹۷). بنابراین رویکرد مدیریت یکپارچه شهری از مهمترین رویکردهایی است که بایستی در یک فرآیند میان مدت جای دیگر سیستم‌ها و رویکردهای مدیریتی را در شهرها بگیرد. در بافت‌های فرسوده نیز این نوع مدیریت بسیار کارآمد است. ساماندهی این بافت‌ها با بهره‌گیری از سیاست‌های مختلف مداخله در بافت فرسوده با لحاظ کردن یکپارچگی مدیران امر در سطح شهر می‌تواند تأثیر مثبت و سازنده‌ای داشته باشد (هاشمی، ۱۴۰۰: ۵۹۸).

مفهوم بازآفرینی شهری^۱ مفهومی کامل و پیچیده است و به معنای تلفیق مدیریت شهری نیست. با مطرح شدن

رویکردهای نوین مدیریت شهری، مفهومی نوین تحت عنوان مدیریت یکپارچه مطرح گردیده است. به طور کلی، رویکردهای متأخر در حوزه مدیریت بازآفرینی شهری تحت تأثیر تحولات در رویکردهای مدیریت و برنامه ریزی شهری، تغییرات گسترده ای را به سوی تحقق حکمروایی شایسته با رویکرد مدیریت یکپارچه داشته است که در آن تنها یک کنشگر به تنهایی نمی تواند این مسائل را کنترل و هدایت کند. با در نظر گرفتن مدیریت یکپارچه شهری به عنوان فرآیند مدیریت در زمینه سیاست گذاری، درک اجزای این فرآیندها بسیار حائز اهمیت می شود؛ بنابراین تأکید بر مدیریت یکپارچه شهری به عنوان الگویی که در آن امکان رفع تعارض میان کنشگران مختلف و دستیابی به بازآفرینی شهری به عنوان هدف مشترک به ویژه بر پایه دانش و آگاهی تخصصی و اتکای متقابل میان نهادها فراهم گردد؛ اهمیت می یابد.



شکل (۲): مختصات رویه ای و محتوایی مدیریت یکپارچه شهری

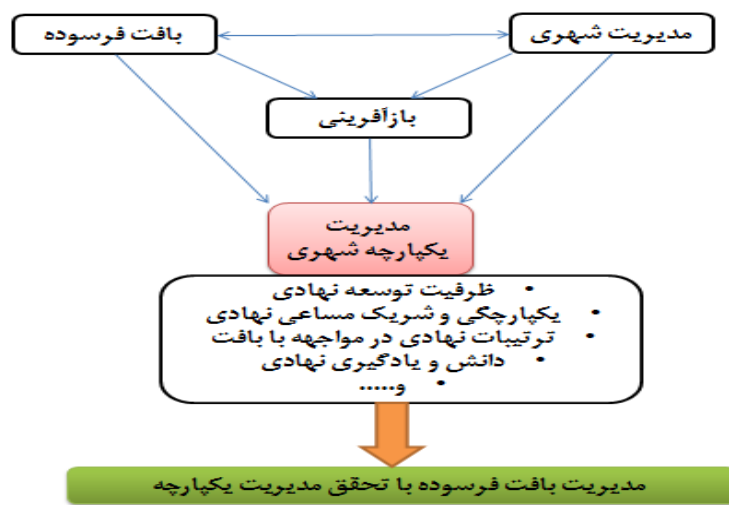
مآخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱

در بحث مدیریت یکپارچه شهری، توجه به همه ارگانها و سازمانهای مشارکت کننده در امور محله الزامی است: به طوری که سازمان بازآفرینی شهری ایران، یکی از زیرمجموعه های وزارت راه و شهرسازی، متولی محدوده های هدف (بافت فرسوده، بافت تاریخی و سکونتگاه های غیررسمی) است.

چارچوب و مدل مفهومی: بر اساس مدل مفهومی این تحقیق، در رویکرد بازآفرینی با دو شاخص مؤلفه مهم یعنی مدیریت شهری و بافت فرسوده روبه رو هستیم. در حقیقت برای آنکه بافت فرسوده به یک سطح و شکل مطلوب بهبود یابد نیازمند آن هستیم که یک نوع مدیریت شهری را برای تحقق آن در نظر گرفته شود. بر این اساس رویکرد بازآفرینی شهر یا تلفیق مدیریت شهری می تواند به بهبود بافت فرسوده کمک نماید؛ اما با توجه به پیشینه تحقیق مشخص شده که صرف تأکید روی بازآفرینی کفایت نمی کند و بهبود بافت های فرسود نیازمند یک دیدگاه و سیستم مدیریت واحد و منسجم است که تمامی سازمانهای و نهادهای مرتب با بافت های فرسوده را در یک مسیر و فرآیند مشترک قرار دهد. از این مدیریت یکپارچه شهری در این زمینه تأثیرگذار است.

مؤلفه ها و شاخص های مدیریت یکپارچه شهری با توجه به مختصات ساختاری و عملکردی ارائه شده از

مدیریت یکپارچه، چالشهای محتوایی و رویه ای مدیریت شهری ایران در مواجهه با بافت فرسوده، مولفه و شاخص های اولویت دار در تبیین مدیریت یکپارچه شهری در ایران و الگوی مناسب آن برای بازآفرینی شهری بدین گونه می باشد که: در درجه اول جهت تبیین مدیریت یکپارچه شهری نیاز به این است که ظرفیت نهادهای شهری برای مدیریت یکپارچه سنجیده شود؛ و همچنین ظرفیت هم افزایی و تشریک مساعی نهادی برای اقدام یکپارچه، ظرفیت واگذاری قدرت و اختیارات به جامعه محلی، چارچوب قانونی مناسب ساماندهی، ظرفیت پاسخگویی و شفافیت، ظرفیت نفوذ در دایره قدرت مدیریت شهری، ظرفیت ایجاد نهادهای محلی و پذیرش جامعه محلی در ایجاد و توسعه نهاد تبیین کننده بخش از ابعاد و شاخصهای مدیریت یکپارچه شهری است. با توجه به موارد بیان شده، مشخص میشود که میزان ظرفیت مدیریت شهری بطور عام در شهرهای کشور و بطور خاص در شهر شیراز در چه وضعیتی بوده و الگوی مورد ارائه چگونه باید برنامه ریزی گردد.



شکل (۲): مدل مفهومی تحقیق

مآخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱

روش پژوهش

این پژوهش با تأکید بر فرآیندهای مدیریت شهری در راستای تحقق بازآفرینی شهری، با رویکردی کمی و کیفی و با نیل به دستیابی مدل تحلیلی مدیریت یکپارچه بازآفرینی شهری انجام خواهد گرفت. ماهیت پژوهش حاضر از نوع بنیادی-کاربردی می باشد. چراکه هدف شناخت وضعیت موجود و در مرحله بعد ارائه راهکار و توسعه مدیریت شهری است. روش های گردآوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه (اسنادی) و میدانی (پیمایشی) بوده است. ابزار گردآوری تحقیق، پرسش نامه است. جامعه آماری این تحقیق با توجه به موضوع مورد مطالعه، جامعه شهروند و ساکن در محله فخرآباد شهر شیراز می باشند. بر اساس سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵ جمعیت محله فخرآباد بالغ بر ۱۲۹۱ نفر بوده است. بر اساس فرمول کوکران، نمونه آماری به تعداد ۲۹۶ نفر محاسبه شد.

پرسشگری در سطح فرد انجام شد. روایی پرسش نامه از طریق نخبگان مورد تأیید قرار گرفت. همچنین در این تحقیق برای پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای بخش های مختلف پرسش نامه محاسبه و برای تمامی شاخص ها، میزان به دست آمده بیشتر از ۰/۷۰ بوده است. لذا قابلیت اعتماد برای داده ها وجود دارد. بیشترین مقدار ضریب مربوط به شاخص سرمایه اجتماعی درون نهادی با مقدار ۰/۸۳ و کمترین مربوط به شاخص دانش رسمی با ضریب ۰/۷۱ بوده است. تجزیه و تحلیل داده ها در نرم افزار SPSS انجام شد.

جدول (۱): ضریب آلفای کرونباخ برای شاخص های تحقیق

ابعاد	شاخص (متغیر)	تعداد	مقدار ضریب آلفای کرونباخ
مشخصات عمومی	مشخصات عمومی	۷	***
	ظرفیت توسعه نهادی	توسعه اجتماع محلی	۳
ظرفیت پذیرش ساکنان		۳	۰/۸۰
یکپارچگی و شریک مساعی نهادی	سرمایه اجتماعی درون نهادی	۳	۰/۸۳
	سرمایه اجتماعی میان نهادی	۳	۰/۸۲
ترتیبات نهادی در مواجهه با بافت	خوانایی قوانین	۲	۰/۷۹
	کارایی و بهره روی نهادی	۴	۰/۷۴
دانش و یادگیری نهادی	دانش رسمی	۳	۰/۷۱
	دانش بومی	۲	۰/۷۹
	آموزش	۳	۰/۷۷

مآخذ: مطالعات میدانی، ۱۴۰۱.

برای اینکه مشخص شود توزیع نمونه نرمال بوده یا نه از آزمون کلموگراف اسمیرونوف استفاده شد. مبنای تعیین معناداری، سطح کمتر از ۰/۰۵ است. با توجه به اعداد به دست آمده برای معیار تصمیم که بیشتر از عدد ۰/۰۵ است، می توان نتیجه گرفت که توزیع داده ها نرمال است؛ چراکه همه اعداد به دست آمده در جدول بیشتر از ۰/۰۵ است و این نشان دهنده توزیع نرمال شاخص ها است. لذا از آزمون های پارامتریک از جمله تی تک نمونه ای استفاده شده است؛ بنابراین آزمون های مورد استفاده در این پژوهش عبارت اند از؛ تی تک نمونه ای، فریدمن.

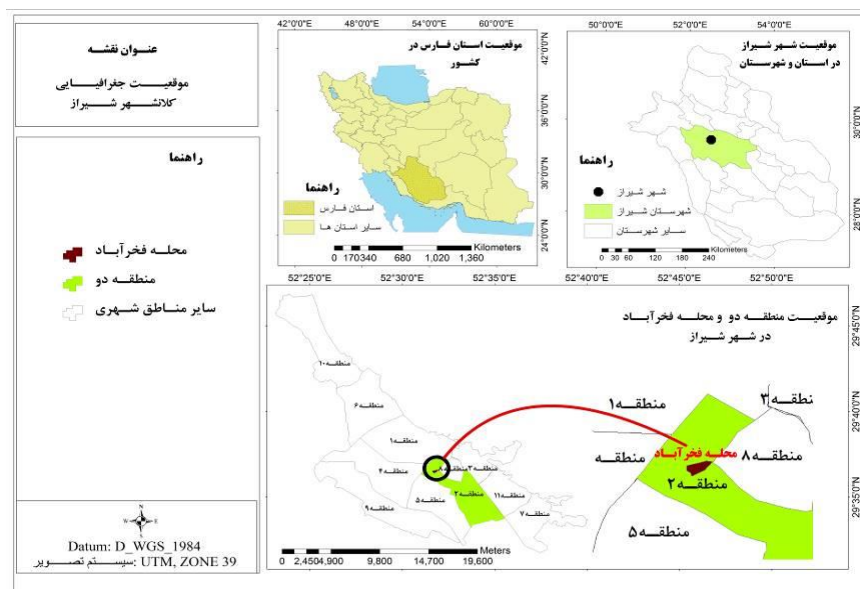
جدول (۲): سنجش معناداری نرمال بودن توزیع داده ها

شاخص	تعداد	آمار کلموگراف- اسمیرونوف	سطح معناداری (تصمیم گیری)
ظرفیت توسعه نهادی	۲۹۶	۲/۳۴۵	۱/۰۹۹
یکپارچگی و شریک مساعی نهادی	۲۹۶	۳/۳۲۴	۱/۰۰۱
ترتیبات نهادی در مواجهه با بافت فرسوده	۲۹۶	۲/۱۲۳	۱/۰۱۰
دانش و یادگیری نهادی	۲۹۶	۲/۰۸۷	۰/۹۸۱

مآخذ: مطالعات میدانی، ۱۴۰۱.

معرفی محدوده مورد مطالعه: شهر شیراز در استان فارس قرار گرفته است. شهر شیراز به عنوان یکی از شهرهای

گردشگری و تاریخی ایران شناخته می‌شود که سالانه گردشگران داخلی و خارجی زیادی را جذب می‌نماید. جمعیت شیراز در سال ۱۳۹۵، بالغ بر ۱۵۶۵۵۷۲ نفر بوده که این رقم با احتساب جمعیت ساکن در حومه شهر به ۱۸۶۹۰۰۱ نفر می‌رسد. شیراز پنجمین شهر بزرگ و پرجمعیت ایران و پرجمعیت‌ترین شهر جنوب کشور به شمار می‌رود. منطقه ۲ شهرداری یکی از مناطق یازده گانه شهرداری شیراز است که در جنوب و غرب بافت تاریخی قرار گرفته و محدوده مورد بررسی در منطقه ۲ شهرداری قرار دارد. منطقه ۲ در محدوده مرکزی شیراز واقع شده و از جنوب با منطقه ۵، از شرق با منطقه ۴ و از شمال با مناطق ۱، ۳ و ۸ هم‌جوار است. محله فخرآباد، در حوزه مرکزی شهر شیراز و در قسمت غربی منطقه ۲ شهرداری شیراز واقع شده است. این محدوده، در حوزه بلا فصل بافت تاریخی - فرهنگی (جنوب غرب منطقه ۸) شیراز واقع شده است و از میان دوره‌های سه گانه توسعه شهری شیراز، جزء بافت میانی محسوب می‌شود. در حقیقت، این محدوده، از توسعه‌های اولیه دهه ۱۳۲۰ به شمار می‌رود که بخشی از جمعیت مهاجر از بافت قدیم شهر را طی این دهه در خود جای داد که بخش قابل توجهی از این جمعیت همچنان در آن سکونت داشته و نسبت به محله خود احساس تعلق دارند؛ اما علاوه بر ساکنین محدوده، در میان سایر شهروندان نیز محله فخرآباد به‌عنوان یکی از محله‌های قدیمی شهر شناخته شده است (شکل ۳).



شکل (۳): موقعیت جغرافیایی منطقه ۲ در کلان‌شهر شیراز و محله فخرآباد در منطقه دو

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰ و باز ترسیم نگارندگان،

یافته های پژوهش

ویژگی های نمونه آماری

بررسی توصیفی متغیر جنس نشان می‌دهد که ۵۹/۵ درصد نمونه از گروه مردان و ۴۰/۵ درصد نیز از گروه زنان هستند. توزیع مناسبی از نظر این متغیر وجود دارد؛ این توزیع مطلوب می‌تواند در تعمیم دادن نتایج نمونه به جامعه آماری مؤثر باشد و دقت اطلاعات را نیز افزایش دهد. بررسی متغیر تحصیلات نشان می‌دهد که بیشترین سطح

تحصیلات افراد مربوط به گروه دیپلم ۳۳/۴ درصد و کمترین مربوط به گروه فوق لیسانس و بالاتر با ۳/۷ درصد است. گروه فوق دیپلم نیز با ۱۸/۷ درصد از تحصیلات در رتبه دوم این اولویت بندی قرار گرفته است. همچنین ۱۸/۵ درصد افراد را گروه بی سواد، ۱۴/۵ درصد زیر دیپلم و ۱۱/۱ درصد را گروه لیسانس تشکیل داده اند. بررسی وضعیت سطح تحصیلات نشان می دهد که از تمامی گروه ها از نظر تحصیلات تقریباً نظرات جمع آوری شده است و این متغیر از توزیع مطلوبی برخوردار بوده است؛ چرا که جمع آوری داده ها از تمامی افراد با سطح تحصیلات مختلف می تواند بسیار مفید باشد و به تعمیم بهتر نتایج نمونه به جامعه آماری و نتیجه گیری نیز کمک نماید. بررسی توزیع فراوانی متغیر محل تولد نشان می دهد که بیشترین افراد در محله فخرآباد با ۶۶/۶ درصد متولد شده اند. همچنین ۳۳/۴ درصد نیز از در محلات یا مکان های دیگر متولد شده اند. توزیع مناسبی از نظر این متغیر نیز وجود دارد. بررسی توزیع فراوانی متغیر مدت اقامت در محله نشان می دهد که بیش از ۷/۴ درصد از افراد کمتر از ۱ سال در محله فخرآباد اقامت داشته اند. بیشترین افراد نیز ۱۶ سال و بیشتر ساکن بوده اند که ۴۰/۹ درصد از نمونه را شامل می شوند. همچنین ۲۲ درصد بین ۲ تا ۵ سال، ۱۱/۱ درصد بین ۶ تا ۱۰ سال و ۱۸/۶ درصد نیز بین ۱۱ تا ۱۵ سال در محله فخرآباد اقامت داشته اند. از نظر این متغیر نیز توزیع مطلوبی وجود دارد و سعی شده که افراد با مدت اقامت های مختلف مورد مطالعه قرار گیرد.

سنجش رضایت مندی شهروندان

سنجش میزان رضایت از زندگی در محله نشانگر آن است که بیش از ۳۳/۴ درصد گزینه خیلی کم و ۳۶/۸ درصد گزینه کم را انتخاب نموده اند؛ بنابراین بیش از ۷۰/۲ درصد نمونه نسبت به زندگی در محله خود رضایت نداشته اند. همچنین ۱۱/۵ درصد گزینه متوسط و مابقی نیز گزینه های رضایت مندی زیاد و خیلی زیاد را انتخاب نموده اند. نتیجه آنکه میزان رضایت از زندگی در محله فخرآباد مطلوب نیست. سنجش وضعیت عملکرد شهرداری در زمینه بهبود محله نشانگر آن است که بیش از ۲۹/۷ درصد گزینه خیلی ضعیف و ۴۶/۳ درصد گزینه ضعیف را انتخاب نموده اند؛ بنابراین بیش از ۷۶/۰۰ درصد نمونه عملکرد شهرداری در زمینه بهبود محله را نامناسب ارزیابی نموده اند. همچنین ۱۳/۵ درصد گزینه متوسط و مابقی نیز گزینه های خوب و خیلی خوب را انتخاب نموده اند. نتیجه آنکه وضعیت عملکرد شهرداری در زمینه بهبود محله، مناسب نیست.

سنجش معناداری شاخص ظرفیت توسعه نهادی در بافت فرسوده فخرآباد

برای ارزیابی شاخص ظرفیت توسعه نهادی از ۶ گویه یا نماگر استفاده شده است که با استفاده از آزمون تی تک نمونه ای مورد ارزیابی قرار گرفت. تحلیل اطلاعات جمع آوری شده جدول زیر نشان می دهد که میانگین همه گویه های شاخص ظرفیت توسعه نهادی پایین تر از حد متوسط هستند و وضعیت قابل قبولی در زمینه این شاخص وجود ندارد. مقدار خطای آلفای (Sig) یا همان سطح معنی داری آزمون تی برای همه گویه ها برابر با ۰/۰۰۰ است، از آنجا که این میزان خطا، از میزان خطای قابل قبول برای آزمون یعنی از ۰/۰۵ کمتر است. در نتیجه می توان استدلال

کرد که تفاوت میزان رضایت مشاهده برای این سنجه‌ها با حد متوسط رضایتمندی به حدی است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی دار است. نتایج کلی گویه های ظرفیت توسعه نهادی بیانگر شرایط خیلی بد آن‌ها در بافت فرسوده است. بهترین شرایط مربوط به گویه میزان تمایل ساکنان به نهادسازی با میانگین ۲/۴۸ و بدترین وضعیت مربوط به گویه یا نماگر، وجود افراد متخصص محلی در بافت فرسوده با میانگین ۲/۲۶ بوده است؛ بنابراین وضعیت تمامی گویه ها با مقایسه حداقل و حداکثر میانگین نشانگر، نامناسب بودن آن‌ها در بافت فرسوده است.

جدول (۳): نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای سنجش گویه های ظرفیت توسعه نهادی در بافت فرسوده فخرآباد

نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای (حد وسط ۳)						گویه
وضعیت گویه	سطح معنی داری	حد بالا	حد پایین	مقدار t	میانگین	
ضعیف	۰/۰۰۰	-۴۲۸/۰	-۶۸۰/۰	-۶۳۹/۸	۴۴۶/۲	میزان تجربه محلی در نهادسازی
ضعیف	۰/۰۰۰	-۴۸۵/۰	-۷۷۹/۰	-۴۶۱/۸	۳۶۸/۲	میزان نهاد دایر در حال حاضر
ضعیف	۰/۰۰۰	-۶۰۵/۰	-۸۷۵/۰	-۸۱۱/۱۰	۲۶۰/۲	وجود افراد متخصص محلی در بافت فرسوده
ضعیف	۰/۰۰۰	-۳۸۳/۰	-۶۵۱/۰	-۶۰۰/۷	۴۸۳/۲	میزان تمایل ساکنان به نهادسازی
ضعیف	۰/۰۰۰	-۳۹۱/۰	-۷۱۱/۰	-۷۷۴/۶	۴۹۹/۲	میزان انگیزه ساکنان به نهادسازی
ضعیف	۰/۰۰۰	-۵۲۲/۰	-۸۰۹/۰	-۱۵۱/۹	۳۳۴/۲	مقبولیت نهادهای محلی در میان مردم

مآخذ: مطالعات میدانی نویسنندگان، ۱۴۰۱.

سنجش معناداری شاخص یکپارچگی و شریک مساعی نهادی در بافت فرسوده فخرآباد

برای ارزیابی شاخص یکپارچگی و شریک مساعی نهادی از ۶ نماگر استفاده شده است که با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای مورد ارزیابی قرار گرفت. تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده جدول زیر نشان می‌دهد که میانگین همه گویه‌های شاخص یکپارچگی و شریک مساعی نهادی پایین‌تر از حد متوسط هستند و وضعیت قابل قبولی در زمینه این شاخص وجود ندارد. مقدار خطای آلفای (Sig) یا همان سطح معنی‌داری آزمون تی برای همه گویه‌ها برابر با ۰/۰۰۰ است، از آنجاکه این میزان خطا، از میزان خطای قابل قبول برای آزمون یعنی از ۰/۰۵ کمتر است. در نتیجه می‌توان استدلال کرد که تفاوت میزان رضایت مشاهده برای این سنجه‌ها با حد متوسط رضایتمندی به حدی است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی دار است. نتایج کلی گویه های یکپارچگی و شریک مساعی نهادی بیانگر شرایط خیلی ضعیف آن‌ها در بافت فرسوده است. بهترین شرایط مربوط به گویه تسهیل‌گری میان نهادی در مدیریت بافت فرسوده با میانگین ۲/۸۹ و بدترین وضعیت مربوط به گویه یا نماگر، میزان اعتماد بین نهادی در مدیریت بافت فرسوده با میانگین ۲/۱۸ بوده است؛ بنابراین وضعیت تمامی گویه ها با مقایسه حداقل و حداکثر میانگین نشانگر، نامناسب بودن آن‌ها در بافت فرسوده است.

جدول (۴): نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای سنجش گویه های یکپارچگی و شریک مساعی نهادی در بافت فرسوده فخرآباد

نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای (حد وسط ۳)						گویه
وضعیت گویه	سطح معنی-داری	حد بالا	حد پایین	مقدار t	میانگین	
ضعیف	۰/۰۰۰	-۱۰۵/۰	-۳۴۱/۰	-۷۱۱/۳	۷۷۷/۲	میزان اعتماد درون نهادی در مدیریت بافت فرسوده
ضعیف	۰/۰۰۰	-۳۴۶/۰	-۶۱۴/۰	-۰۵۴/۷	۵۲۰/۲	میزان مشارکت درون نهادی در مدیریت بافت فرسوده
ضعیف	۰/۰۰۰	-۲۶۵/۰	-۵۴۶/۰	-۶۷۷/۵	۵۹۵/۲	میزان آگاهی و اطلاع نهادی در مدیریت بافت فرسوده
ضعیف	۰/۰۰۰	-۶۲۸/۰	-۹۵۰/۰	-۷۵۷/۱۱	۱۸۶/۲	میزان اعتماد بین نهادی در مدیریت بافت فرسوده
ضعیف	۰/۰۰۰	-۵۱۶/۰	-۸۱۵/۰	-۷۴۴/۸	۳۳۴/۲	میزان مشارکت بین نهادی در مدیریت بافت فرسوده
ضعیف	۰۹/۰	-۰۵۲/۰	-۲۶۸/۰	-۳۲۸/۱	۸۹۲/۲	تسهیل گری میان نهادی در مدیریت بافت فرسوده

مآخذ: مطالعات میدانی نویسنندگان، ۱۴۰۱

سنجش معناداری شاخص ترتیبات نهادی در مواجهه با بافت فرسوده

برای ارزیابی شاخص ترتیبات نهادی در مواجهه با بافت فرسوده از ۶ نماگر یا گویه استفاده شده است که با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای مورد ارزیابی قرار گرفت. تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده جدول (۵) نشان می‌دهد که میانگین همه گویه‌های شاخص ترتیبات نهادی در مواجهه با بافت فرسوده پایین‌تر از حد متوسط هستند و وضعیت قابل قبولی در زمینه این شاخص وجود ندارد.

جدول (۵): نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای سنجش گویه های ترتیبات نهادی در مواجهه با بافت فرسوده فخرآباد

نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای (حد وسط ۳)						گویه
وضعیت گویه	سطح معنی‌داری	حد بالا	حد پایین	مقدار t	میانگین	
ضعیف	۰/۰۰۰	-۳۸۳/۰	-۶۵۸/۰	-۴۵۰/۷	۴۸۰/۲	شفاف بوده قوانین
ضعیف	۰/۰۰۰	-۴۰۶/۰	-۷۰۲/۰	-۳۸۸/۷	۴۴۶/۲	همپوشانی مقررات
ضعیف	۰/۰۰۰	-۲۳۶/۰	-۵۷۴/۰	-۷۲۳/۴	۵۹۵/۲	منابع نهادی در مواجهه با بافت فرسوده
ضعیف	۰/۰۰۰	-۴۱۷/۰	-۶۹۱/۰	-۹۴۰/۷	۴۴۶/۲	شفافیت نهادی در مواجهه با بافت فرسوده
ضعیف	۰/۰۰۰	-۶۰۲/۰	-۸۷۸/۰	-۵۳۱/۱۰	۲۶۰/۲	رقابت پذیری نهادی در مواجهه با بافت فرسوده
ضعیف	۰/۰۰۰	-۷۳۲/۰	-۹۷۸/۰	-۹۸۸/۱۳	۱۴۹/۲	زیست پذیر کردن بافت‌های فرسوده

مآخذ: مطالعات میدانی نویسنندگان، ۱۴۰۱

مقدار خطای آلفای (Sig) یا همان سطح معنی‌داری آزمون تی برای همه گویه‌ها برابر با ۰/۰۰۰ است، از آنجاکه این میزان خطا، از میزان خطای قابل قبول برای آزمون یعنی از ۰/۰۵ کمتر است. در نتیجه می‌توان استدلال کرد که تفاوت میزان رضایت مشاهده برای این سنج‌ها با حد متوسط رضایتمندی به حدی است که در سطح اطمینان ۹۹

درصد معنی دار است. نتایج کلی گویه های ترتیبات نهادی در مواجهه با بافت فرسوده بیانگر شرایط ضعیف آنها است. بهترین شرایط مربوط به گویه منابع نهادی در مواجهه با بافت فرسوده با میانگین ۲/۵۹ و بدترین وضعیت مربوط به گویه یا نماگر، زیست پذیر کردن بافت های فرسوده با میانگین ۲/۱۴ بوده است؛ بنابراین وضعیت تمامی گویه های ترتیبات نهادی با مقایسه حداقل و حداکثر میانگین نشانگر، نامناسب بودن آنها در بافت فرسوده است.

سنجش معناداری شاخص دانش و یادگیری نهادی در بافت فرسوده فخرآباد

برای ارزیابی شاخص دانش و یادگیری نهادی در مواجهه با بافت فرسوده از ۸ نماگر استفاده شده است که با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای مورد ارزیابی قرار گرفت. تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده جدول (۶) نشان می‌دهد که میانگین همه گویه‌های شاخص دانش و یادگیری نهادی پایین‌تر از حد متوسط هستند و وضعیت قابل قبولی در زمینه این شاخص وجود ندارد. مقدار خطای آلفای (Sig) یا همان سطح معنی‌داری آزمون تی برای همه گویه‌ها برابر با ۰/۰۰۰ است، از آنجا که این میزان خطا، از میزان خطای قابل قبول برای آزمون یعنی از ۰/۰۵ کمتر است. در نتیجه می‌توان استدلال کرد که تفاوت میزان رضایت مشاهده برای این سنجه‌ها با حد متوسط رضایت‌مندی به حدی است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی دار است. نتایج کلی گویه های دانش و یادگیری نهادی بیانگر شرایط ضعیف آنها است. بهترین شرایط مربوط به گویه میزان دسترسی به منابع آموزشی درون نهادها با میانگین ۲/۶۶ و بدترین وضعیت مربوط به گویه یا نماگر، ترویج و انتشار دانش بین نهادی با میانگین ۲/۰۷ بوده است؛ بنابراین وضعیت تمامی گویه های دانش و یادگیری نهادی با مقایسه حداقل و حداکثر میانگین نشانگر، نامناسب بودن آنها در بافت فرسوده است.

جدول (۶): نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای سنجش گویه های دانش و یادگیری نهادی در بافت فرسوده فخرآباد

نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای (حد وسط ۳)						گویه
وضعیت گویه	سطح معنی‌داری	حد بالا	حد پایین	مقدار t	میانگین	
ضعیف	۰/۰۰۰	-۵۰۷/۰	-۸۳۱/۰	-۱۱۳/۸	۲۳۱/۲	دانش تخصصی در حوزه فعالیت
ضعیف	۰/۰۰۰	-۳۷۳/۰	-۶۶۱/۰	-۳۷۳/۰	۴۸۳/۲	میزان آگاهی نهادها
ضعیف	۰/۰۰۰	-۴۹۵/۰	-۷۶۱/۰	-۴۹۵/۰	۲۷۲/۲	میزان توانایی در تولید ایده همراه با نوآوری
ضعیف	۰/۰۰۰	-۶۴۷/۰	-۹۰۷/۰	-۶۴۷/۰	۲۲۳/۲	میزان آگاهی نهادها از شرایط بافت
ضعیف	۰/۰۰۰	-۴۶۵/۰	-۷۱۷/۰	-۴۶۵/۰	۴۰۹/۲	میزان مراجعه به تجربه و دانش مردم محلی
ضعیف	۰/۰۰۰	-۶۴۷/۰	-۹۱۴/۰	-۴۹۱/۱۱	۲۲۰/۲	میزان آموزش بین بخشی
ضعیف	۰/۰۰۰	-۷۹۷/۰	-۰۵۴/۱	-۱۷۵/۱۴	۰۷۴/۲	ترویج و انتشار دانش بین نهادی
ضعیف	۰/۰۰۰	-۱۸۱/۰	-۴۷۸/۰	-۳۰۲/۴	۶۶۶/۲	میزان دسترسی به منابع آموزشی درون نهادها

مآخذ: مطالعات میدانی نویسندگان، ۱۴۰۱.

سنجش معناداری ابعاد مدیریت یکپارچه شهری در بازآفرینی بافت فرسوده فخرآباد

بررسی نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در سطح ابعاد مدیریت یکپارچه شهری در بازآفرینی بافت فرسوده فخرآباد نشانگر آن است که چهار بعد مدیریت یکپارچه شامل ظرفیت توسعه نهادی، یکپارچگی و شریک مساعی نهادی، ترتیبات نهادی در مواجهه با بافت و دانش و یادگیری نهادی در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنادار بوده است. بررسی میانگین ابعاد نشانگر آن است که مقادیر کمتر از حد ملاک آزمون (۳) بوده است و لذا وضعیت ابعاد مدیریت یکپارچه ضعیف ارزیابی می‌شود. بهترین وضعیت مربوط به بعد یکپارچگی و شریک مساعی نهادی با مقدار ۲/۵۵۰ و بدترین وضعیت مربوط به بعد دانش و یادگیری نهادی با میانگین ۲/۳۴۳ بوده است؛ بنابراین وضعیت تمامی ابعاد مدیریت یکپارچه شهری در بازآفرینی بافت فرسوده فخرآباد نامطلوب و ضعیف ارزیابی می‌شود. بررسی سطح معناداری در مجموع مقیاس نیز نشانگر معنادار بودن این موضوع در سطح کمتر از ۰/۰۵ و میانگین برابر با ۲/۲۴۲ نیز تأیید می‌نماید که وضعیت مدیریت یکپارچه شهری در بافت فرسوده ضعیف است و در واقع چنین مفهومی معنای واقعی پیدا نمی‌کند.

جدول (۷): نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای سنجش معناداری

وضعیت ابعاد مدیریت یکپارچه شهری در بازآفرینی بافت فرسوده فخرآباد

نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای (حد وسط ۳)						ابعاد مدیریت یکپارچه
وضعیت گویه	سطح معنی - داری	حد بالا	حد پایین	مقدار t	میانگین	
ضعیف	۰/۰۰۰	-۵۱۹/۰	-۷۰۱/۰	۲۲۶/۱۳	۳۹۰/۲	ظرفیت توسعه نهادی
ضعیف	۰/۰۰۰	-۳۷۲/۰	-۵۲۷/۰	-۴۱۰/۱۱	۵۵۰/۲	یکپارچگی و شریک مساعی نهادی
ضعیف	۰/۰۰۰	-۴۹۰/۰	-۶۸۵/۰	-۸۱۷/۱۱	۴۱۲/۲	ترتیبات نهادی در مواجهه با بافت
ضعیف	۰/۰۰۰	-۵۶۶/۰	-۷۴۶/۰	-۳۶۹/۱۴	۳۴۳/۲	دانش و یادگیری نهادی
ضعیف	۰/۰۰۰	-۴۹۸/۰	-۶۵۳/۰	-۵۹/۱۴	۴۲۴/۲	کل مقیاس

مأخذ: مطالعات میدانی نویسندگان، ۱۴۰۱.

سنجش معناداری وضعیت شاخص‌های مدیریت یکپارچه شهری در بازآفرینی بافت فرسوده فخرآباد

پس ارزیابی گویه‌ها، در این بخش به ارزیابی شاخص‌های مدیریت یکپارچه شهری در بازآفرینی بافت فرسوده فخرآباد پرداخته شده است. تحلیل آزمون تی تک نمونه‌ای جدول (۸) نشان می‌دهد که میانگین همه شاخص‌های مدیریت یکپارچه شهری در بازآفرینی بافت فرسوده فخرآباد پایین‌تر از حد متوسط هستند و وضعیت قابل قبولی در زمینه این شاخص‌ها وجود ندارد. مقدار خطای آلفای (Sig) یا همان سطح معنی‌داری آزمون تی برای همه شاخص‌ها برابر با ۰/۰۰۰ است، از آنجا که این میزان خطا، از میزان خطای قابل قبول برای آزمون یعنی از ۰/۰۵ کمتر است. در نتیجه می‌توان استدلال کرد که تفاوت میزان رضایت مشاهده برای این سنج‌ها با حد متوسط رضایت‌مندی به حدی است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار است. نتایج کلی شاخص‌های مدیریت یکپارچه شهری در بازآفرینی بافت فرسوده فخرآباد بیانگر شرایط ضعیف آن‌ها است. بهترین شرایط مربوط به شاخص سرمایه اجتماعی

درون نهادی با میانگین ۲/۶۳۰ و بدترین وضعیت مربوط به شاخص دانش بومی با میانگین ۲/۳۱۵ بوده است؛ بنابراین وضعیت تمامی شاخص های مدیریت یکپارچه شهری در بازآفرینی بافت فرسوده با مقایسه حداقل و حداکثر میانگین شاخص ها، نشانگر نامناسب بودن آن ها در بافت فرسوده است. در حقیقت ضعیف های اساسی در این زمینه وجود دارد و پیاده سازی و اجرای مدیریت یکپارچه شهری در این محله نیازمند برنامه ریزی ویژه دارد.

جدول (۸): نتایج آزمون تی تک نمونه ای

سنجش معناداری وضعیت شاخص های مدیریت یکپارچه شهری در بازآفرینی بافت فرسوده فخرآباد

نتایج آزمون تی تک نمونه ای (حد وسط ۳)						شاخص های مدیریت یکپارچه
وضعیت گویه	سطح معنی داری	حد بالا	حد پایین	مقدار t	میانگین	
ضعیف	۰/۰۰۰	-۵۳۹/۰	-۷۴۵/۰	-۲۶۰/۱۲	۳۵۸/۲	توسعه اجتماع محلی
ضعیف	۰/۰۰۰	-۴۷۸/۰	-۶۷۷/۰	-۴۲۳/۱۱	۴۲۲/۲	ظرفیت پذیرش ساکنان
ضعیف	۰/۰۰۰	-۳۰۲/۰	-۴۳۷/۰	-۷۳۴/۱۰	۶۳۰/۲	سرمایه اجتماعی درون نهادی
ضعیف	۰/۰۰۰	-۴۲۹/۰	-۶۳۰/۰	-۳۶۴/۱۰	۴۷۰/۲	سرمایه اجتماعی میان نهادی
ضعیف	۰/۰۰۰	-۴۱۴/۰	-۰۶۶۰	-۶۰۱/۸	۴۶۲/۲	خوانایی قوانین
ضعیف	۰/۰۰۰	-۵۲۹/۰	-۷۴۷/۰	-۵۳۰/۱۱	۳۶۲/۲	کارایی و بهره روی نهادی
ضعیف	۰/۰۰۰	-۴۹۸/۰	-۷۱۱/۰	-۱۵۲/۱۱	۳۹۵/۲	دانش رسمی
ضعیف	۰/۰۰۰	-۵۹۳/۰	-۷۵۵/۰	-۷۵۵/۱۴	۳۱۵/۲	دانش بومی
ضعیف	۰/۰۰۰	-۵۸۶/۰	-۷۵۵/۰	-۱۵۹/۱۴	۳۱۹/۲	آموزش

مآخذ: مطالعات میدانی نویسندگان، ۱۴۰۱.

رتبه بندی شاخص های مدیریت یکپارچه شهری در بازآفرینی بافت فرسوده محله فخرآباد

نتیجه آزمون فریدمن جهت رتبه بندی شاخص های مدیریت یکپارچه شهری در بازآفرینی بافت فرسوده محله فخرآباد نشان می دهد که شاخص ها در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنادار بوده اند؛ بنابراین شاخص ها دارای تفاوت معناداری با یکدیگر هستند. مقدار کای اسکوتر نیز برابر با ۵۳/۵۲ بوده است.

جدول (۹): معناداری تفاوت شاخص های مدیریت یکپارچه شهری در بازآفرینی بافت فرسوده

۰/۰۰۰	سطح معناداری
۵۲/۵۳	کای اسکوتر
۲۹۶	حجم نمونه

مآخذ: مطالعات میدانی نویسندگان، ۱۴۰۱.

بررسی میانگین رتبه ای آزمون فریدمن بیانگر آن است که بیشترین میانگین رتبه ای مربوط به شاخص سرمایه اجتماعی درون نهادی با مقدار ۵/۸۵ و سپس کارایی و بهره وری نهادی با میانگین ۵/۶۷ بوده است. همچنین کمترین رتبه نیز مربوط به دو دانش بومی با میانگین ۴/۵۴ و سپس آموزش با میانگین ۴/۷۸ بوده است.

جدول (۱۰): رتبه‌بندی شاخص‌های مدیریت یکپارچه شهری در بازآفرینی بافت فرسوده محله فخرآباد (آزمون فریدمن)

رتبه	میانگین رتبه‌ای	شاخص
۶	۴/۸۳	توسعه اجتماع محلی
۵	۵/۰۳	ظرفیت پذیرش ساکنان
۱	۵/۸۵	سرمایه اجتماعی درون نهادی
۴	۵/۱۹	سرمایه اجتماعی میان نهادی
۳	۵/۳۱	خوانایی قوانین
۲	۵/۶۷	کارایی و بهره روی نهادی
۷	۴/۷۹	دانش رسمی
۹	۴/۵۴	دانش بومی
۸	۴/۷۸	آموزش

مأخذ: مطالعات میدانی نویسنده‌گان، ۱۴۰۱.

بحث و نتیجه گیری

بازآفرینی محلات و بافت فرسوده شهرها از مهم‌ترین مسائلی است که مدیریت شهری به دنبال آن است. اجرای درست بازآفرینی نیازمند داشتن یک مدیریت منسجم و سیستماتیک است که به نظر می‌رسد سیستم‌های مدیریتی موجود در این زمینه ناکارآمد هستند. از این رو ضرورت توجه و تأکید بر سیستم مدیریت یکپارچه در عرصه‌های شهری به‌خوبی قابل مشاهده است. برای آنکه این سیستم مدیریتی بتواند در توسعه شهر مفید باشد، بایستی زمینه و بسترهای آن از نظر تعاملات، کنشگران، نهادهای مرتبط و ... فراهم شود. این موضوع یعنی مدیریت یکپارچه در بافت های فرسوده می‌تواند اثرات مطلوبی داشته باشد. در این راستا شناخت و میزان برخورداری شهرها از نظر شاخص‌های مدیریت یکپارچه شهری بسیار ضروری است تا بتوان ضعف‌ها را مرتفع و برنامه‌ریزی لازم را داشت. این پژوهش به بررسی وضعیت و عملکرد مدیریت یکپارچه شهری در بازآفرینی بافت های فرسوده در محله فخرآباد - کلان‌شهر شیراز پرداخته است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌های مدیریت یکپارچه شهری در بازآفرینی بافت فرسوده فخرآباد، ضعیف هستند. به‌عبارت‌دیگر شاخص‌های مدیریت یکپارچه شهری شامل توسعه اجتماع محلی، ظرفیت پذیرش ساکنان، سرمایه اجتماعی درون نهادی، سرمایه اجتماعی میان نهادی، شفاف بودن قوانین، کارایی نهادی، دانش بومی و آموزش در محله فخرآباد وجود ندارد چراکه نوع مدیریت شهری حاکم یک نوع مدیریت از بالا به پایین بوده و بستر لازم جهت فعال شدن برخی شاخص‌ها در این زمینه وجود نداشته است. در حقیقت نوع مدیریت موجود در بافت فرسوده فخرآباد به گونه‌ای است که اجتماع محور نبوده و علاوه بر این نهادهای مرتبط نیز کارایی لازم را در بهبود بافت نداشته‌اند. سرمایه اجتماعی از جمله مشارکت، اعتماد، مسئولیت‌پذیری و همبستگی اجتماعی که بایستی در برنامه‌ریزی و مدیریت شهر و بافت فرسوده باشد، در این مسائله مشاهده نمی‌شود؛ بنابراین نمی‌توان شاخص‌های مدیریت یکپارچه را در بافت فرسوده شهر شیراز مشاهده نمود و لذا نمی‌توان به ارزیابی عملکرد آن نیز پرداخت. به نظر می‌رسد ضعف در نبود شاخص‌های مدیریت یکپارچه شهری نیز سبب شده که بافت فرسوده محله فخرآباد توسعه نداشته باشد و به شکل مطلوبی ارتقاء پیدا نکند. تحقیقات گذشته از جمله تحقیقات فتاحی زاده و همکاران (۱۴۰۰)، هاشم زاده قلعه جوق و همکاران (۱۳۹۹)، صرافی (۱۳۹۷)، مظفر (۱۳۹۷)، فیروزی و همکاران (۱۳۹۸)، فریبتی و گراسو (۲۰۱۹) و آلپویی و مانول (۲۰۱۸) نیز به‌خوبی این کمبود و ضعف را در مدیریت بافت

های فرسوده و بازآفرینی آن تائید می‌نمایند. بر اساس این تحقیقات نیز مشخص شده که نبود مدیریت و دیدگاه یکپارچه شهری سبب ایجاد مسائل در بافت فرسوده و عدم توسعه آن است. از این رو نه تنها در تحقیقات ذکر شده، بلکه در تحقیق حاضر نیز به این ضعف اشاره شده و راه‌حل برون‌رفت از این مشکلات، اتخاذ مدیریت یکپارچه شهری در راستای بازآفرینی بافت فرسوده است.

شاخص‌های مدیریت یکپارچه شهری شامل توسعه اجتماع محلی، ظرفیت پذیرش ساکنان، سرمایه اجتماعی درون نهادی، سرمایه اجتماعی میان نهادی، شفاف بودن قوانین، کارایی نهادی، دانش بومی و آموزش، از نظر وضعیت تفاوت معناداری دارند. در حقیقت هرچند همه شاخص‌ها، ضعیف هستند ولی نسبت به یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. نتیجه نشان داد که شاخص سرمایه اجتماعی درون نهادی و سپس کارایی و بهره‌وری نهادی نسبت به دیگر شاخص‌های مدیریت یکپارچه شهری از وضعیت بهتری برخوردار هستند. این موضوع می‌تواند به دلیل وابستگی‌های سازمانی و فردی در نهادهای مدیریت شهری باشد؛ چراکه آن‌ها نسبت به عملکرد خود در زمینه بافت فرسوده یک نگاه بالا به پایین داشته‌اند و نهادها سعی می‌کنند که برای همدیگر مشکلاتی ایجاد نکنند و در حقیقت عملکرد خود را موجه و مثبت نشان دهند. در صورتی که شاخص مانند توسعه اجتماع محلی جز شاخص‌های بسیار ضعیف است؛ چراکه بر اساس این شاخص بایستی مشارکت مردم در طرح‌های و برنامه‌های بافت فرسوده به خوبی دیده شود در حالی که وضعیت موجود چنین چیزی را نشان نمی‌دهد. تحقیقات شاهی‌فر و دیگران (۱۳۹۹)، میرمسعودی و منصور ارمکی (۱۳۹۷)، صرافی (۱۳۹۷)، ایزدی (۱۳۹۷) و فیروزی و همکاران (۱۳۹۶) نیز به خوبی تائید کننده نقش مشارکت شهروندان و اتخاذ رویکردهای مشارکتی در توسعه بافت فرسوده هستند. نکته‌ای که در مدیریت بافت فرسوده شهر شیراز کمتر مشاهده شده و یک ضعف بزرگ محسوب می‌شود.

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مدیریت یکپارچه شهری چارچوبی کارآمد برای تحقق بازآفرینی شهری با تأکید بر ابعاد نهادی آن و در نظر گرفتن روابط قدرت میان کنشگران در راستای مشارکت همه کنشگران در این فرآیند، فراهم می‌کند. این رویکرد چه در سطح سیاست‌گذاری و چه در سطح اجرایی، قابلیت توسعه در سایر حوزه‌های مدیریت و برنامه‌ریزی شهری را نیز دارد که انجام پژوهش‌هایی در راستای توسعه این رویکرد در سایر حوزه‌ها بسیار تأثیرگذار و مثمر ثمر می‌نماید. در زمینه بازآفرینی شهری نیز با توجه به اینکه تغییر رویکرد هم در عرصه نظری و هم در عرصه عملیاتی صورت گرفته و رویکرد دانشی این حوزه به‌ویژه در چند سال اخیر توسعه پیدا کرده، اما همچنان توافق و اجماع کامل در زمینه ابعاد بازآفرینی شهری در شرایط ایران به‌عنوان منشور و برنامه عمل نه در میان گروه‌های دانشگاهی و نه در میان نخبگان و مدیران وجود ندارد. در زمینه عملیاتی و اجرایی بازآفرینی شهری نیز، استفاده از مطالعات نهادی و روابط میان کنشگران متناسب با بافت و ویژگی‌های آن و کنشگران آن، در تدوین برنامه‌های بازآفرینی شهری بسیار ضروری است. چاره این کار در وهله اول اعتقاد مدیریت فعلی به مدیریت یکپارچه و تمایل آن به واگذاری قدرت و اختیارات و به دست آورد قدرت جدید از طریق کسب قدرت، اعتماد، مشارکت، رضایت و اعتبار مردمی است. در مرحله دوم دستیابی به یکپارچگی و تشریک‌مساعی نهادی برای استفاده از ظرفیت‌های نهادهای مختلف شهری، توسعه ظرفیت‌ها و بسترهای قانونی مناسب، توسعه نهادهای خرد محلی است. دستیابی به موارد مذکور با اهرم تمرکززدایی و تسهیل‌گری امکان‌پذیر می‌یابد. چراکه ایجاد یکپارچگی میان نهادها جهت تدوین اصول مدیریت یکپارچه و ایجاد تشریک‌مساعی میان آن‌ها و همچنین به‌صحنه آوردن مردم و توسعه نهادهای محلی نیازمند تمرکززدایی و تسهیل‌گری است تا تعاملات میان نهادی توسعه یافته و ظرفیت الزام برای تعامل به وجود آید.

در مجموع ابعاد مدیریت یکپارچه شهری در بازآفرینی بافت فرسوده فخرآباد شامل ظرفیت توسعه نهادی، یکپارچگی و شریک مساعی نهادی، ترتیبات نهادی در مواجهه با بافت و دانش و یادگیری نهادی تأیید کننده این مطلب است که مدیریت یکپارچه شهری در محله فخرآباد ضعیف بوده و نیازمند توجهات اساسی است. با توجه به این نتایج پیشنهاد می شود که مدیریت شهری بافت فرسوده در کلان شهر شیراز به مدیریت یکپارچه تغییر یابد. بر همین اساس در سطح جزئی تر پیشنهادهای زیر مطرح می شود.

۱- با توجه به فقدان ارتباط مؤثر و یکپارچه و همسو بین نهادهای اصلی تأثیرگذار بر جریان توسعه بافت فرسوده (شهرداری، میراث فرهنگی، آستان مقدس شاهچراغ (ع) و سایر دستگاهها)؛ باید بازنگری در قوانین و مقررات و تشکیلات مدیریت شهری و حرکت به سمت تحول در نظام مدیریت شهری کنونی در راستای تحقق مدیریت یکپارچه شهری انجام شود.

۲- با توجه به فقدان جریان تأثیرگذار مشارکت شهروندان و بخش خصوصی به تبعیت از آن فقدان منابع درآمدی پایدار و کافی باید به دیده شدن ظرفیت شهروندان، بخش خصوصی و غیررسمی در سیاست گذاریها و برنامه ریزی های مربوط به بافت فرسوده و تشویق و ترغیب آنها به مشارکت جهت استفاده از ظرفیت های محلی توجه ویژه کرد.

۳- تشکیل کمیته های تخصصی برای شناسایی ضعف قوانین موجود و همچنین تدوین قوانینی که بتواند از یکپارچگی مدیریت بافت فرسوده حمایت نماید و با نظام محلی مدیریت بافت فرسوده کلان شهر شیراز همخوانی داشته باشد.

۴- با توجه به مداخلات گسترده در بافت فرسوده بدون برخورداری از ایده ساختاری مرجع باید با برگزاری کارگاه های علمی مدیریت یکپارچه شهری جهت آشنایی مدیران و کارکنان سازمانها و کنشگران مدیریت بافت فرسوده با ضرورت و اهمیت اجرای این رویکرد مهم قدم برداشت.

۵- جلوگیری از تقسیم اختیارات و وظایف مدیریت شهری میان وزارتخانه ها و شهرداری و سایر نهادهای محلی که باعث گسترش عدم انسجام در برنامه ریزی و سیاست گذاری می گردد. باید نهادهای مدیریتی میان نهادی که بتواند موجب هماهنگی درون سازمانی و برون سازمانی گردد ایجاد شود.

در نهایت سه شاخصه اصلی تحقق مدیریت یکپارچه در بازآفرینی شهری بافت های فرسوده که باید در کلان شهر شیراز نمود پیدا نماید عبارتند از:

- ❖ جایگزینی نظام مند تصمیم سازی چرخه ای (بالا به پایین و پایین به بالا) در فرآیند تصمیم گیری بر اساس خرد و کنش جمعی؛
- ❖ تأکید بر تصمیم سازی با نگاه سیستمی و توجه به سطح بندی نظام تصمیم سازی؛
- ❖ برنامه ریزی با تکیه بر شرایط درونی و بیرونی شهر در ابعاد کارکردی و کالبدی و دخالت کنشگران در سطوح مختلف تصمیم گیری؛

منابع پژوهش

- 1) Abdali, Afshar; Zabihi, Hossein; Majdi, Hamid. (2018), Explaining the conceptual framework of good urban governance based on integrated urban management (case example: Tehran metropolis), *New Attitudes in Human Geography*, Vol 12, No 1, pp 293-309.
- 2) Aghamiri, Sidreza; Hosseinzadeh, Muslim; Sadaqat, Mehdi. (2016), Urban management information system, a case study: *Geographic Information*

- System (GIS) of Babolsar city. *Journal of Applied Research in Geographical Sciences*, Vol 7, No 5, pp 215-240.
- 3) Aghaizade Ismail; Hossam Mehdi; Mohammadzade Rababe. (2018), Investigating social capital in the process of urban regeneration in problematic urban contexts - Example: Rasht City, *Urban Structure and Functional Studies Quarterly*, Vol 6, No 19, pp 145-167.
 - 4) Alpopi, C. and Manole, C., (2018). Integrated Urban Regeneration Solution for Cities Revitalize, *Procedia Economics and Finance*, Vol 63, No 3, pp 178-185.
 - 5) Babaei, Mahnaz; Ebrahimi, Saeed. (2015), Study and review of integrated management components in the city of Isfahan, *Journal of Urban Economics*, Vol 1, No 1, pp 17-36.
 - 6) Chakrabarty, B. K. (2001), Urban management: Concepts, principles, techniques and education, *Cities Journal*, Vol 18, No 5, pp 331-345.
 - 7) Charosai, Akbar; Ilanlo, Maryam. (2019), Survey and evaluation of urban resilience components, *Geographical Studies of Coastal Areas*, Vol 1, No 2, pp 93-110.
 - 8) Ferretti, V. and Grosso, R., (2019). Designing successful urban regeneration strategies through a behavior- al decision aiding approach, <https://doi.org/10.1016/j.cities>.
 - 9) Firozi Mohammad Ali, Amanpour Saeed, Zarei Javad (2016), Analysis of inter-institutional relations in sustainable urban regeneration management of dilapidated structures, a case study: Ahvaz metropolis, *Urban Studies*, Vol 8, No 29 pp 130-19
 - 10) Firozi Mohammad Ali, Amanpour Saeed, Zarei Javad (2018), Analysis of the Institutional Platforms of Realizing Integrated Management in Sustainable Urban Regeneration of Dilapidated Tissues (Case Area: Ahvaz City), *Human Geography Research*, Vol 51, No 4, pp 891-909 .
 - 11) Furlan, R., Petruccioli, A., Major, M. D., Zaina, S., Zaina, S., Al Saeed, M., & Saleh, D. (2019), The urban regeneration of west-bay, business district of Doha (State of Qatar): A transit-oriented development enhancing livability. *Journal of Urban Management*, Vol 8, No 1, pp 126-144.
 - 12) Hashemzadeh Ghale Jouk, Farshid; Abizadeh, Saman; Safar Alizadeh, Ismail. (2018), Identifying and prioritizing the most important effective factors in the advancement of urban management programs in the field of worn-out fabric (case study: Mako city), *Urban Planning Scientific and Research Quarterly*, Vol 11, No 4, pp 137-154 .
 - 13) Hashemi, Yusuf. (1400). An analysis of the role and position of integrated urban management in the organization of worn-out structures (case study: Ramsar city neighborhood lot), *Islamic Art Studies*, Vol 17, No 43, pp 598-616.
 - 14) Hataminejad, Hossein; Pourahmad, Ahmad, Nosrati Heshi, Morteza. (2018), Future research in worn-out urban fabric - case study: District 1, District 9 of Tehran. *Geographical Information Scientific-Research Quarterly*, Vol 29, No 109, pp 37-55.
 - 15) Hijazi, Jafar. (2019), Evaluation of people's participation in the implementation of the urban regeneration plan (case example: the central dilapidated fabric of Ahvaz city), *Journal of Geographical Engineering Sarmeen*, Vol 4, No 1, pp 117-132.

- 16) Hosseini Biloi, Zahra. (2019), Investigating the role of urban management in organizing dilapidated structures (case example: Seng Siah neighborhood of Shiraz), 5th International Conference on Research in Science and Engineering and 2nd International Congress on Civil Engineering, Architecture and Urban Planning of Asia, pp. 19-32
- 17) Ibrahim, H., Salama, A., Wiedmann, F., Aboukalloub, B., & Awwaad, R. (2020). Investigating land use dynamics in emerging cities: the case of downtown neighbourhood in Doha. *Journal of urban design*, Vol 25, No 3, pp 387-411.
- 18) Izadi, Mohammad Saeed; Roosta, Majid; Amiri, Nagin. (2015), A survey of the experience of social (participatory) urban development in re-creating the informal neighborhoods of Medellin in Colombia. *Haft Shahr*, Vol 4, No 53 and 54, pp 134-151.
- 19) Jimenez, A, Padura, A and Marta Molina-Huelva.(2016),Towards a feasible strategy in Mediterranean building renovation through a multidisciplinary approach. *Sustainable Cities and Society*, Vol 32, No 2, pp 532-546.
- 20) Kausi the goddess; Mohammadi Jamal (1400). Smart mobility and social sustainability: evaluation of mutual relationships (case study: Shiraz city). *Applied Research Journal of Geographical Sciences*. Vol 21, No 61, pp 279-294
- 21) Khazaei, Mustafa; Razovian, Mohammad Taghi. (2018), worn texture; The opportunity or threat of urban management (case example: worn-out fabric of Nahavand city), *Aamish Mohit* chapter, No 64, pp 101-126.
- 22) Kim, J. Y., (2015), Urban Regeneration Utilizing Art: A Case Study of the Samlye Art Village, Korea, *International Journal of Multimedia and Ubiquitous Engineering*, Vol 10, No 11, pp 337-342.
- 23) Mir ebrahimi, B. (2021), Investigating effective areas in regenerating worn-out urban fabric Case study: Shushtar city. *Geography and Human Relationships*, Vol 4, No 1, pp 311-330.
- 24) Mir Masoudi, Seyyed Pouya; Mansouri Aramaki, Reza. (2017), Investigating the strategies for realizing integrated urban management in Tehran, *Urban Management Studies*, Vol 10, No 34, pp 45-60.
- 25) Motamedi Mohammad; Rasouli Seyyed Hasan; Nasiri Mohammad (2018). Evaluation of citizens' satisfaction with the performance of urban management in the field of urban services, case study: Faruj city. *Applied Research Journal of Geographical Sciences*, Vol 19, No 55, pp 116-99.
- 26) Nasiri, Ismail; Salari Nia, Marzieh. (2016), Analysis of effective factors in the regeneration of worn-out urban tissues, a case study of District 20, District 17, Tehran, *Sarzemin Magazine*, Vol 14, No 11, pp 135-148.
- 27) Piran, Parvez. (2017), A quick look and critical review: urban regeneration with a partial view of the neighborhood assistance project in Iran (MIA). *Haft Shahr*, Vol 4, No 62, pp 28-56.
- 28) Rezaei Maitham, Zangiabadi Ali (2019), evaluation and analysis of the role of urban management activists in the integrated management of the historical fabric of Shiraz metropolis using the ANP model, *Aamish Geographical Space Magazine, Golestan University Scientific-Research Quarterly*, Vol 10, No 36, pp 179-196.
- 29) Roshan Ali, Fatima; Andalib, Alireza. (2017), Solving the problem of inefficient urban infrastructures is the most important stage of residents' participation in the success of renovation programs (case example: Shahid

- Khob Bakht neighborhood of Tehran), *Journal of Urban Management*, Vol 17, No 52, pp 108-93.
- 30) Sanai Solmaz, Sarwar Rahim, Ezzat Panah Bakhtiar (2019), Analysis of the effective components in realizing the integrated management of the urban area of Tehran, *Sarzemin Geographical Quarterly*, Vol 17, No 66, pp 44-60.
- 31) 9. Sarafi, Muzaffar. (2017), A radical urban regeneration approach to overcome the instability of Iran's development. *Haft Shahr*, Vol 4 No 62, pp 57-61.
- 32) Shahini Far Mostafa, Pahkideh Iqbal, Charejo Farzin, Khaledian Zhila (2019), measuring the amount of people's participation in the renovation of dilapidated urban structures (case example: the old structure of Kermanshah), *Amash Mohit Journal*, spring 2019, volume 13, no. 48; From page 153 to page 172.
- 33) Strippoli, V. (2020), Project role for climate change in the urban regeneration. Reinventing cities winning projects in Milan and Rome. *TeMA-Journal of Land Use, Mobility and Environment*, Vol 13, No 3, pp 375-388.
- 34) Taherlou, Taher; Jalilnejad, Akbar. (1400), improvement and renovation of worn-out urban structures and the role of the municipality in their revival; Case study: Khoy city, Khamachilar district, *Shabak specialized scientific journal*, Vol 7, No 1, pp 55-71.
- 35) Wang, Y., & Fukuda, H. (2019), Sustainable urban regeneration for shrinking cities: A case from Japan. *Sustainability*, Vol 11, No 5, pp 1-17.
- 36) Yazdani Saeed, Fatahizadeh Fahima, Shaikhul-Islami Alireza, Etemad Gitti (1400), Sustainable urban regeneration in historical contexts with an integrated approach (case study: Darwaza Ray neighborhood and Qom market area). *Geographical Research Quarterly*. Vol 36, No 4, pp 446-437

Quarterly Journal of Urban Futurology

Volume 3, Number 1, 2023

PP: 46-70

**Investigating the Performance of Integrated Urban Management in
Regeneration of Dilapidated Urban Tissues (Case Study: Fakhrabad
Neighborhood - Shiraz Metropolis)**

Amir abbas zare, Master's student in urban management, Apadana Institute of Higher Education, Shiraz, Iran.

Ali shamsoddini¹, Associate Professor of geography and urban planning, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran.

Parisa moshk sar, Assistant Professor of Urban Development, apadana Institute of Higher Education, Shiraz, Iran.

Received: 19 November 2022

Accepted: 17 April 2023

Abstract

The study of the urbanization system in Iran shows the disproportion between urbanization growth and urban development, and this imbalance is the cause of various urban problems, including dilapidated fabric. Therefore, worn-out urban fabrics are one of the most challenging issues in the urban space of Iran, which has caused disorganization, balance and unplanned urban life. The important point in this is the traditional performance of Iran's urban management system, which is the main factor in expanding the dimensions of the mentioned challenges. Therefore, according to the studies of this research, the problem of dilapidated tissues in Iranian cities is not only a result of urbanization, but it is caused by the lack of quality of urban management in order to improve the quality of life in these types of tissues. The metropolis of Shiraz, as one of the historical and important cities, has not been spared from these effects and issues. The purpose of this research is to investigate the function of integrated urban management in the regeneration of worn-out tissues in Shiraz metropolis and in Fakhrabad neighborhood. The descriptive-analytical research method and data collection methods are field (survey). The research collection tool is a questionnaire. The statistical population of this research was made up of citizens living in Fakhr Abad neighborhood of Shiraz, which totaled 1291 people. Based on Cochran's formula, the statistical sample was calculated as 296 people. The result of T-Tech test is an example in the field of measuring the performance of integrated urban management in recreating the worn-out fabric of Fakhrabad. It shows that four indicators including institutional development capacity, institutional integration and partners, institutional arrangements in dealing with the context and knowledge and institutional learning at a level less than 0.05 was significant. Examining the average indicators shows that their condition is evaluated poorly. The best situation is related to the index of institutional cooperation and integration with a value of 2.550 and the worst situation is related to the dimension of institutional knowledge and learning with an average of 2.343. Therefore, the status of all indicators of integrated urban management in recreating the worn-out fabric of Fakhrabad is considered unfavorable. Also, the result of Friedman's test at a level of less than 0.05 shows a significant difference between the indicators of the management of urban kiparche in the dilapidated context, and the biggest difference was related to the index of social capital within the institution, and then the efficiency and productivity of the institution.

Keywords: Integrated Urban Management, Regeneration, Dilapidated Fabric, Shiraz Metropolis.

DOI: 10.30495/uf.2023.1984140.1118

¹ - Corresponding author: A.shamsoddini@miau.ac.ir